

Iran's Criminal Policy Towards Juvenile Offenders: A Comparative Perspective with English Law

Radmehr. Farzaneh¹-Rezvani. Ali^{2*} -Masjedsaraie. Hamid³

1: Ph.D. Student in Criminal Law and Criminology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2: Assistant Professor of Islamic Studies, Shahroud Branch, Islamic Azad University, Shahroud, Iran:
(Corresponding Author) (alirezvani2200@yahoo.com)

3: Professor of Islamic Jurisprudence Department, Semnan University, Semnan, Iran.

Abstract: Juvenile delinquency is one of the issues that criminal policy inevitably affects by defining and determining its specific principles. This signifies a distinct criminal policy towards juvenile offenders, as one of the bitter fruits of contemporary industrial societies is juvenile delinquency, where individuals have not yet started their social life but have been tainted by various social, cultural, political, and other factors, leading to the destruction of their lives. Dealing with juvenile crimes leads lawmakers to provide special support for them. Therefore, addressing juvenile delinquency requires the existence of a specialized judicial system distinct from the legal system for adults. A comparative study of Iran and England shows that, just as in England, children and adolescents are entitled to such support, in Iran, the necessity of reforming and educating these individuals violates the intended criminal laws, but Iran's laws do not provide a cohesive approach to protect and support children and adolescents in various stages of the legal process, especially in preliminary investigations. In contrast, England has adopted many considerations for dealing with these individuals and has provided appropriate guarantees for them. This article seeks to answer the fundamental question through a descriptive-analytical method: What are the similarities and differences between Iran's criminal policy and England's criminal policy regarding juvenile delinquency? Iran should also consider the strengths and positive aspects of the changes in the laws of other countries such as England in the field of differential criminal policy towards juvenile offenders, fundamentally revising the stages of trial, prosecution, and implementation of sentences for delinquent children and adolescents, and emphasize laws on crime prevention and alternative punishments with a focus on non-repetition of offenses.

Keywords: Characteristics of law, general policies, lawmaking system. Iran's Criminal Policy, England's Criminal Policy, Juvenile Delinquents, Juvenile Delinquency.

- F. Radmehr; A. Rezvani; H. Masjedsaraei (2023). Iran's Criminal Policy Towards Juvenile Offenders: A Comparative Perspective with English Law, *Islamic Law and Jurisprudence Studies*, 15(33), 153-194.

Doi: [10.22075/feqh.2022.28511.3386](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.28511.3386)

فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی

سال ۱۵ - شماره ۳۳ - زمستان ۱۴۰۲

صفحات ۱۵۳-۱۹۴ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۸/۰۳ - پذیرش ۱۴۰۱/۰۸/۰۴

سیاست جنائی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با

نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس

فرزانه رادمهر^۱ / علی رضوانی^۲ / حمید مسجدرائی^۳

۱: دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲: استادیار گروه معارف اسلامی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران (نویسنده مسئول) alirezvani2200@yahoo.com

۳: استاد گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

چکیده: بزهکاری اطفال و نوجوانان، از موضوعاتی است که سیاست جنایی، ناگزیر به تعریف و تعیین اصول خاص تأثیرات خود در این مورد گردیده است. این امر به معنای سیاست کیفری ویژه ای در قبال بزهکاران صغیر ناسازگار است، زیرا یکی از ثمرات تلخ اجتماعات صنعتی کنونی، بزهکاری اطفالی می باشد که هنوز زندگی اجتماعی را شروع ننموده اند؛ اما بر اثر عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... به انواع مفاسد آلوده شده و زندگیشان برای همیشه نابود شده است. رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان موجب می شود قانونگذار از آنان حمایت های ویژه ای نماید، لذا رسیدگی به بزهکاری این افراد، مستلزم وجود نظام دادرسی ویژه ای متمایز از سیستم دادرسی سایر افراد است. مطالعه تطبیقی دو کشور ایران و انگلیس نشان می دهد که همان گونه که در انگلیس، اطفال و نوجوانان مشمول این حمایت ها هستند در کشور ایران نیز، لزوم اصلاح و تربیت این اشخاص، قوانین کیفری موردنظر قانونگذار را نقض می کند ولی حقوق ایران در زمینه پیش بینی دادرسی افتراقی در مراحل مختلف دادرسی به ویژه تحقیقات مقدماتی برای حمایت از اطفال و نوجوانان منسجم نیست اما در انگلستان با ملاحظات بسیاری با این افراد برخورد کرده و تضمینات مناسبی برای آنان پیش بینی گردیده است. این مقاله در تلاش است که با روشی توصیفی تحلیلی، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که وجوه تمایز و تشابه سیاست جنایی ایران با سیاست جنایی انگلستان در زمینه بزهکاری اطفال و نوجوانان چیست؟ ایران نیز با توجه نمودن به نقاط قوت و مثبت تحولات در قوانین جدید کشورهای دیگر از قبیل انگلستان در زمینه سیاست جنایی افتراقی در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان، بازنگری اساسی در مراحل دادرسی، محاکمه و اجرای احکام کودکان و نوجوانان بزهکار داشته باشد و قوانین برپیشگیری از این جرایم و اعمال مجازات های جایگزین با رویکرد عدم تکرار جرم تأکید نماید.

کلیدواژه: سیاست جنایی ایران، سیاست جنایی انگلیس، اطفال و نوجوانان بزهکار، بزهکاری اطفال.

- رادمهر، فرزانه؛ رضوانی، علی؛ مسجدرائی، حمید (۱۴۰۲). سیاست جنائی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با

نگاهی تطبیقی به حقوق انگلیس. *مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی دانشگاه سمنان*، شماره ۳۳، صفحات ۱۵۳-۱۹۴.

[Doi: 10.22075/feqh.2022.28511.3386](https://doi.org/10.22075/feqh.2022.28511.3386)

مقدمه

یکی از مسائل پیچیده جهان امروزه که توجه بسیاری از محققین، جامعه شناسان، جرم شناسان، روان شناسان و متخصصین امر را به خود معطوف داشته، موضوع متهمین کم سن و سال و یا به اصطلاح «اطفال و نوجوانان بزهکار» می باشد که روز به روز هم گسترش بیشتری می یابد. افزایش بزهکاری و ارتکاب جرم فقط مربوط به کودکان و نوجوانان نبوده، بلکه فرآیندی است که صرفنظر از سن مرتکبین اعمال مجرمانه و بزهکارانه، در سطح کلان نیز مشاهده می شود (شامیانی، ۱۴۰۱: ۱۵).

با توجه به وضع موجود، اولین سؤالی که مطرح می گردد این است که آیا اقدامات صورت گرفته در زمینه مبارزه با جرایم اطفال و نوجوانان بزهکار، مبتنی بر اصول صحیح و درستی استوار گردیده است یا خیر؟ آمارهای منتشره از گزارش های جهانی سازمان ملل متحد نشان می دهد که علیرغم بهبود وضع زندگی و معیشتی و علیرغم ازدیاد سریع مؤسسات و خدمات، جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان با سرعت و آهنگ بیشتری افزایش می یابد (الوندی، ۱۳۷۸: ۱۹).

در خصوص این که چرا جرائم افراد کم سن و سال در حال ازدیاد است، فرضیه های مختلفی ارائه شده است. عده ای ازدیاد جرایم را محصول سستی اعتقادات دینی و مذهبی دانسته و معتقدند که علم، ایمان و عمل صالح موجبات رشد انسان را فراهم می سازد. آفاتی نظیر خودپرستی، حب دنیا یا دنیازدگی، غفلت، تکبر و خود برتر بینی، تقلید و شخصیت زدگی، اکثریت زدگی و سخن بدون علم، پیروی از ظن و گمان، کتمان حق، مجادله با حق، هوی و هوس های برونی، قساوت قلب، از خود بیگی، عنادجویی، خودستائی سبب می گردند که انسان از رشد و کمال بازدارنده بالنتیجه به طرف بزهکاری سوق داده شوند (نصری، ۱۳۹۴: ۲۴۳).

برخی نیز معتقدند که بروز جنگ، علت اساسی ازدیاد جرایم اطفال و نوجوانان می باشد. وضعیت نابسامان کودکان و افزایش بزهکاری اطفال قبل از جنگ جهانی دوم موجب شد تا موضوع اصلی کنگره اول در سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۵ به بزهکاری

اطفال و اصلاح آن اختصاص یابد. بدیهی است سست شدن پایه و مبانی مذهبی یا بروز جنگ و مسائل ناشی از آن نمی تواند به عنوان عامل منحصر به فرد افزایش جرایم اطفال و نوجوانان باشد و مسلماً عوامل مختلف دیگری وجود دارند که در ازدیاد آن بی تأثیر نخواهند بود.

امروزه جرایم ارتكابی اطفال و نوجوانان علیه اموال رو به گسترش نهاده است. به همین ترتیب، جرایم علیه افراد از جمله جرایم جنسی، همجنس بازی و فحشاء نیز رو به گسترش است. اخیراً نیز سرقت وسایل جانبی اتومبیل و حتی سرقت اتومبیل، موتورسیکلت و سرقت از فروشگاه های بزرگ و سوپرمارکت ها نیز بر تعداد جرایم سابق افزوده است. در چنین موقعیتی است که قانونگذار جمهوری اسلامی ایران درصدد چاره جوئی برآمده و با وضع قوانین جزائی، علت ارتكاب جرایم کودکان را مدنظر قرار داده و با اعمال مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی مناسب درصدد پیشگیری از ارتكاب جرایم آنان برآمده است. در قوانین جدید اطفال و نوجوانان بزهکار اعمال مجازات های عقوبتی و پاداش سنتی به کنار گذاشته شده، چراکه با مجازات و تنبیه سرسختانه دیگر نمی توان از بزهکاری و تکرار جرم اطفال و نوجوانان پیشگیری به عمل آورد و چون هدف تعلیم و تربیت، اصلاح، درمان و بازسازی اطفال و نوجوانان بزهکار است لذا قانونگذار اولاً، جهت دادرسی آنان، دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان را پیش بینی نموده که صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان زیر هیجده سال را دارند. ثانیاً، هدف تصمیمات دادگاه اعمال اقدامات تأمینی و تربیتی به جای مجازات جهت تعلیم و تربیت، اصلاح و درمان و بازسازی مجرمین خردسال و نوجوان می باشد. ثالثاً، محل نگهداری این قبیل مجرمین نیز در مکان خاص و جداگانه ای به نام «کانون اصلاح و تربیت» خواهد بود.

در نظام عدالت کیفری ایران، با عنایت به هدف نهایی و اساسی سیاست جنایی که مبتنی بر سزادهی، پیش گیری از بزهکاری و اصلاح و درمان بزهکاران است، به

نظر می‌رسد وظیفه اصلی تحقق اهداف سیاست جنایی بر عهده قوه قضائیه است، زیرا در بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین، از وظایف احصایی و اصلی قوه قضائیه به شمار می‌آید. هرچند دستیابی به چنین هدفی برخلاف ظاهر امر، مستلزم همکاری و هماهنگی تمامی نهادهای ذی‌مدخل می‌باشد و بدین ترتیب، نمی‌توان نقش و رسالت اجتناب‌ناپذیر قوای مجریه و مقننه را در تدوین، شکل‌گیری و اجرای سیاست جنایی نادیده گرفت. حقوق کیفری به عنوان هسته اصلی سیاست جنایی هر کشور در حمایت از افراد آسیب‌پذیر جامعه از جایگاه مهمی برخوردار است. امروزه حقوق کیفری در پرتو اتخاذ یک سیاست کیفری افتراقی به حمایت ویژه از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده پرداخته است. در کنار مقرر کردن حمایت‌های ویژه در فرآیند کیفری از طریق معاضدت حقوقی رایگان، دادن نقش بیشتر به آنها برای ارائه نگرانی‌ها و نظریات خود، جبران خسارت‌های مادی، روانی و معنوی آنها و غیره. حقوق کیفری در بُعد ماهوی خود نیز پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است که دقیقاً متأثر از نظریات بزه‌دیده‌شناختی و جرم‌شناختی می‌باشند. در حقیقت، از منظر سیاست جنایی، دولت در سه سطح تقنینی، قضایی و اجرایی با هماهنگی و مشارکت جامعه مدنی و نهادهای عدالت کیفری می‌تواند از اقشار آسیب‌پذیر جامعه در آماج جرم، حمایت نماید. در مورد سابقه و پیشینه پژوهش هم گفته می‌شود که تحقیقات کلی صورت گرفته که به دو نمونه اشاره می‌کنیم:

سلیمانی (۱۳۹۲) در تحقیق خود در ارتباط با بزهکاری کودکان بدین نتیجه دست یافته است که آمار جرایم کودکان و نوجوانان رو به افزایش نهاده است. در ریشه‌یابی علل و عوامل این افزایش، با جهات مختلفی مواجه می‌شویم که بنا به شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی موجود در هر جامعه، متفاوت می‌باشد.

بجنوردی (۱۳۹۱) در تحقیق خود در ارتباط با سیاست جنایی جرم و جنایات بزهکاران کودک به این نتیجه رسیده که فقر زائیده نابرابری های اجتماعی و اقتصادی سبب می شود بیشترین میزان خشونت از آن جوامعی باشد که بالاترین نابرابری های اجتماعی و اقتصادی را دارا هستند. فقر و طرد اجتماعی و بیکاری غالباً باعث حاشیه نشینی می شود و اطفالی که حاشیه نشین شده اند آمادگی بیشتری برای توسعه و حفظ رفتار بزهکارانه دارند.

۱- مفهوم شناسی واژگان

۱-۱- مفهوم سیاست جنایی

سیره دیرینه «جرم انگاری» و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، بر جرم انگاری و برخورد کیفری توسط دولت با مجرمین، برجسته ترین شکل برخورد با جرم و مجرم می باشد؛ به همین علت، نخستین کاربردهای سیاست جنایی در معنایی معادل حقوق کیفری یا سیستم کیفری که مبتنی بر جرم - مجازات و قانون می باشد، بوده است همچنان که در تعریف فوئرباخ، سیاست جنایی به شیوه های سرکوب گر، اعمال شونده از سوی دولت و علیه جرم محدود شده است که در مقایسه با تحولات مفهوم سیاست جنایی می توان آن را مفهوم مضیق سیاست جنایی و یا سیاست کیفری نامید.

از نظر فویرباخ، سیاست جنایی عبارت است از «مجموعه روش های سرکوب کننده که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد» (Feuerbach, 1803: p132؛ نیز ر.ک: ترکی هرچنگانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۹۸-۹۹).

۲-۱- مفهوم طفل

گذشته از مفاهیم لغوی و اصطلاحی در نظام حقوقی هر کشور علی الاصول طفل یا صغیر دارای تعریف معینی است که البته بین این تعاریف، اختلافاتی وجود دارد. هر چند در سال های اخیر تلاش های بین المللی در نزدیک ساختن این تعاریف اعمال شده

است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کودک را تعریف نکرده، لکن در اصل بیست و یکم خود از واژه «کودکان بی سرپرست» استفاده کرده است؛ که این استفاده به نظر می رسد با توجه به اصل چهارم قانون اساسی باید بر آن کودکی اطلاق شود که به لحاظ شرعی کودک محسوب می شود و به تعبیر ساده، کودکی در این اصل قانون اساسی همان صغیر و طفل شرعی را شامل می شود که مشخص است که به سن بلوغ نرسیده است.

لغت طفل که معادل لغاتی مانند کودک، بچه و نوزاد می باشد به افرادی اعم از پسر و دختر گفته می شود که به سن بلوغ نرسیده اند. پس، کودکی از زمان حمل آغاز شده و تا بلوغ ادامه دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ۱۱). از نظر لغوی، طفل به معنای خرد و کوچک و در مورد انسان به کم سالی و خردسالی تعبیر شده است؛ بنابراین صغیر نقطه مقابل کبیر و به معنای کودک است. واژه دیگری که در این معنی به کار می رود و از عربی به فارسی آمده است کلمه «صبی» می باشد، و در معنای صبی گفته اند: «کودکی که که به احتلام نرسیده است»؛ این کلمه به صورت فعل نیز در زبان عربی به کار رفته است و به معنای ذوق زده شدن و کارهای کودکانه انجام دادن می باشد (قریشی، ۱۴۱۲: ۱۰۹: ۴)؛ صبی، مفرد بوده و جمع آن صبیان است.

کلمه صغیر نیز از واژه های مترادف طفل است. صغیر در لغت به معنای فرد کوچک، کم سال، کم سن و در مقابل کبیر می باشد و جمع آن صغار است (معین، ۱۳۸۵: ۲۱۳۰). در اصطلاح حقوقی، طفل یا صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سن، به رشد جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. از دیدگاه فقهی، صغیر «کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد. در اصطلاح حقوقی صغیر کسی است که از نظر سن به نمو جسمانی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد.»

نظام حقوق ایران، مانند اکثریت یا شاید کلیه نظام های دیگر حقوقی دنیا، تعریفی از کودک ارائه ننموده و فقط به تعیین میزان سن مسئولیت کیفری پرداخته است. آن چه که در حقوق ایران به عنوان سن کودک پذیرفته شده است، سن ۹ و ۱۵ سال تمام قمری

به ترتیب برای دختر و پسر است؛ به این معنا که در حقوق ایران تنها افرادی کودک محسوب می شوند و حق برخورداری از حقوق در نظر گرفته شده برای اطفال را دارند که در این سن قرار داشته باشند (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۱)؛ در غیر این صورت، طفل تلقی نمی شوند و در برخورد با قوانین و مقررات، مانند بزرگسالان با آنان رفتار می شود؛ به ویژه در حقوق کیفری، که اهمیت این موضوع نیز زمانی خود را نشان می دهد که کودکی در گیر امور کیفری شود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قانونگذار در ماده ۱۴۷ چنین مقرر می دارد: «سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است». بر این اساس، از نظر جرم شناسان، سن کودکی بین دوره طفولیت تا ۱۲ سالگی است (شامیبانی، ۱۴۰۱: ۳۸)

۱-۳- نوجوان

دشوارترین دوران حیات انسان از نظر تربیتی، دوره نوجوانی است (هاشمی، ۱۳۹۵: ۶)؛ این دوره که حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سال را در بر می گیرد، منطبق بر دوره راهنمایی و دبیرستان است. بیشترین مشکلات تربیتی در این دوره پیش می آید و غالباً در همین دوره است که فرزندان یا از دست می روند و یا در مسیر سعادت گام می نهند (همان). به تدریج که دوره کودکی پشت سر گذاشته می شود و فرد وارد دوره نوجوانی می شود، در ارتباط خود با والدین، مربیان و اطرافیان بازنگری می کند. در نتیجه این بازنگری و بازسازی روابط، فرد نوجوان در رفتار و نگرش خود نیز بررسی هایی انجام می دهد و ارتباط جدیدی را به عنوان یک نوجوان با دیگران برقرار می کند، زیرا در دوره کودکی، معمولاً تفکر کودک قالبی بوده و مطیع دستورات دیگران است؛ در حالی که در این دوره به دلیل افزایش سطح آگاهی، شناخت و رشد تفکر می تواند به طور انتزاعی فکر کرده و استدلال داشته باشد و باورها و ارزش های موجود در خانواده و جامعه را با استفاده از توان جدید خود، بازسازی نماید. نوجوانی، دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است که در همه زمینه ها بروز می نماید؛ رفتارهای کودکانه را به

تدریج از دست می دهد، خواهان استقلال است، می خواهد همه چیز را خود تجربه کند، افکار انقلابی دارد، طغیان گر است، تمایل به تنهایی دارد، رابطه با همسالان برای او ارزش بسیاری دارد و در برابر دستورات بزرگسالان مقاومت می کند (کیخا، ۱۳۹۹: ۲۹).

قانونگذار ما در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی از تعبیر اطفال و نوجوانان استفاده کرده و این در حالی است که قبل از این قانون، در لایحه صرفاً واژه اطفال به کار برده شده بود و البته در ماده ۸۹ همان قانون، اطفال و نوجوانان را از هم تفکیک کرده است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ در تعریف «نوجوان» با اشاره به بلوغ شرعی می گوید: منظور از نوجوان، هر فردی است که به سن بلوغ شرعی رسیده باشد در حالی که در سند ملی حقوق کودک و نوجوان مصوب جلسه ۸۰۶ مورخ ۱۳۹۷/۱/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی بدون اشاره به واژه «بلوغ شرعی» تأکید می نماید که منظور از نوجوان، فرد بالغی است که براساس قانون به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف خود نرسیده است. این تعریف شامل افراد بالغ محجور نمی شود.^۱

۱-۴- بزهکاری

جرم یا بزه، هرگونه رفتار یا ترک رفتار است که باعث نقض قانون شده و برای آن در قانون، مجازات مشخصی تعیین شده است. جرم در لغت به معنای «گناه» آمده است. بزه به عملی گفته می شود که خلاف قانون و مقررات اجتماعی باشد.^۲ این واژه در مورد کودکان و نوجوانان به کار می رود و برای بزرگسالان از واژه جرم استفاده می شود. بزه یا بزهکاری به یک پدیده اجتماعی گفته می شود که در محیط های مختلف به شکل های متفاوتی مشاهده می شود. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه را بزهکاری تعریف کرده اند. از دیدگاه راونکاوی، بزهکار کسی است که نیروهای غریزی در وجود او به خوبی اداره نشده است و ذهن آگاه فرد

۱. ویژه نامه ۱۴۲۵ مورخ ۱۴۰۰/۶/۲۹ روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران.

2. <https://rasekhoon.net>.

به خوبی بر نیروهای غریزی نظارت ندارد. بنابراین چنان چه ذهن آگاه نتواند راهی برای خروج نیروهای غریزی پیدا کند که مورد قبول جامعه باشد، فرد دست به رفتارهایی برخلاف هنجارهای اجتماعی می زند و یا میان دو دسته از فشارهای درونی و بیرونی قرار می گیرد و دچار بزهکاری می شود (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۷۳).

بزهکاری به رفتار ضداجتماعی گفته می شود؛ رفتاری که باعث دخالت در حقوق دیگران، بر هم زدن رفاه جامعه و یا خود شخص شود. به عنوان مثال، می توان سرقت، استفاده از مواد مخدر، فروش مواد مخدر، قتل، فحشاء، اذیت و آزار رسانیدن به دیگران را از جمله رفتارهای بزهکارانه نام برد. بزهکاری یک پدیده بسیار پیچیده اجتماعی است که در محیط های اجتماعی مختلف به شکل های متفاوتی دیده می شود.

۲- اصول راهبردی در سیاست جنایی اطفال و نوجوانان در حقوق ایران و انگلستان

۱-۲- اصول و تصمیمات بنیادین در دادرسی اطفال در حقوق ایران
در حقوق ایران عنوان فصل پنجم از باب دوم قانون آیین دادرسی کیفری اختصاص به ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال دارد.

ماده ۷ از حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال و مواد ۳۹ و ۴۰ پیمان حقوق کودک، رعایت اصول و تضمینات اساسی دادرسی عادلانه و منصفانه را در هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی به اتهامات اطفال و نوجوانان لازم الرعایه اعلام کرده اند.

بدین ترتیب، اصولی از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه و دیگر اذیت و آزار در هنگام تحقیقات و رسیدگی، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود طرف مقابل و حق پژوهش خواهی از مراجع بالاتر باید در زمینه رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان کاملاً رعایت گردد.

۲-۱-۱- اصول و تضمینات در مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی به عنوان اولین مرحله مداخله قضایی در ارتباط با اهداف و ویژگی های خاص این نظام در نظر گرفته شده است. تحقیقات مقدماتی شامل سه دسته از اعمال قضایی می شود: الف- جمع آوری دلایل و قراین و امارات جرم؛ ب- جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و امحای آثار و علائم جرم؛ ج- اظهار نظر درباره بزهکار بودن یا نبودن متهم. در مرحله انجام تحقیقات مقدماتی، پلیس با متهم یا مظنون برخورد نزدیک دارد و باید از رفتارهای تند و مغایر با اصول انسانی از جمله شکنجه و آزار و اذیت باید پرهیز نماید؛ بنابراین در ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «در جرائم اطفال، رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده (۴۳) توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد». با توجه به این ماده، قانونگذار اختیارات ضابطین را به دادگاه و شخص قاضی واگذار کرده است تا حتی الامکان روش های قانونمندتر و صحیح تری در برخورد با اطفال صورت بگیرد.

الف- اصل برائت

اصل برائت، از بنیادی ترین از بنیادی ترین اصول کلی حاکم بر دادرسی عادلانه و منصفانه در نظام های دادرسی کیفری است. اصل برائت در مفهوم مضیق خود اشاره به تکلیف دادستان دال بر احراز مجرمیت بزهکار دارد و در مفهوم موسع باید به دور از تردید ثابت نماید که متهم چنین عملی را مرتکب شده است (باقری نژاد، ۱۳۹۴: ۲۷۴). در خصوص دادرسی اطفال، این اصل از اصول مهم است، زیرا این اصل نه تنها حقوق کودک را بازیابی می کند بلکه طفل را از رسیدن به مراحل سخت دادرسی هم محافظت می کند. این اصل به عنوان یکی از اصول مهم مورد توجه قانون اساسی و قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است که در مورد اطفال هم حاکم است.

ب- اصل دسترسی و کیل

حق داشتن وکیل از تضمینات اساسی حقوق دفاعی متهم است و فلسفه وجودی این حق در مرحله تحقیقات مقدماتی از آنجا ناشی می شود که متهم در دفاع از خود در مقابل تحقیق کننده که آشنا به مسائل حقوقی و قوانین است، بتواند از کمک افراد آگاه و متخصص برخوردار باشد تا بین او و مقام تحقیق به لحاظ اطلاعات و تجارب حقوقی و استفاده مؤثر قانون، توازن برقرار شود. در قانون سابق، امکان مداخله وکیل در تحقیقات مقدماتی وجود نداشت، ولیکن یکی از نوآوری های قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاح این محدودیت است تا متهم با بهره مندی از حضور وکیل، بهتر و شایسته تر از حقوق خود دفاع کند؛ البته محدودیت ها، کماکان در خصوص جرایم خاص ادامه دارد که امید است این محدودیت ها نیز در تدوین قانون بعدی رفع شود (خسروی، ۱۳۹۳: ۱۱).

در بین کشورها، مقررات واحدی در ارتباط با مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در دادگاه ها وجود ندارد؛ اما در حال حاضر با ترفعی شدن تحقیقات مقدماتی، عدم حضور وکیل در دادسرا توسط قضات نه تنها باعث تضییع حقوق متهم می شود و با اصل برائت مغایرت دارد؛ بلکه باعث اطاله دادرسی و اشتباه در نتیجه رسیدگی هم می شود. به هر روی، قانونگذار ایران با ترجیح نظام تفتیشی بر اتهامی در این مرحله، همیشه سعی در ایجاد محدودیت برای حضور وکیل در تحقیقات مقدماتی جرایم داشته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حاوی تحولات وسیعی در رابطه با حضور وکلا در تحقیقات مقدماتی می باشد. این اصل یکی از ضروریات در دادرسی اطفال محسوب می شود و متهم مجاز است در مراحل مختلف دادرسی وکیل تعیین کند (کیخا، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

ج- داشتن حق سکوت

حق سکوت عبارت است از امتناع و خودداری متهم از پاسخ دادن به سؤالات ضابطین دادگستری و مقام قضایی در مورد اتهام مطروحه علیه وی می باشد. عدم اعلام

حقّ سکوت به متهم توسط ضابطین دادگستری ممکن است متهمی را که آگاهی از موازین قانونی و حقوقی ندارد، ناچار به ذکر مطالبی به زیان خود کند. بی توجهی نسبت به رعایت چنین حقّی نه تنها منجر به افزایش اختیارات ضابطین دادگستری در اخذ اقرار و اعتراف از متهم به شیوه های غیر معمول و قانونی می شود، بلکه حقوق متهم را به شدت در معرض تعرض و تضییع حقّ توسط ضابطین دادگستری قرار می دهد.

اکثر نظام های دادرسی کیفری پذیرفته اند که متهم حقّ دارد آزادانه از قدرت خود برای پاسخگویی یا امتناع از آن استفاده کند. به دیگر سخن، قوانین کشورها نیز مقررات صریحی در اینباره پیش بینی کرده اند یا رویه قضایی به تدریج چنین حقّی را برای متهم تثبیت نموده است (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

این حقّ در جرایم خفیف و شدید مورد استفاده قرار می گیرد، زیرا سکوت از نظر حقوقی به معنی پذیرش اتهام نمی شود و نمی تواند به استدلال سکوت متهم در برابر اتهام انتسابی او را محکوم کرد. با سکوت متهم دادگاه باید وفق محتویات پرونده تصمیم بگیرد و اگر طبق محتویات، دلایل کافی برای توجه اتهام وجود داشته باشد سکوت به معنای بی اعتباری دلایل نیست (رحمدل، ۱۳۹۲: ۳۱۵).

د- اصل لزوم تفهیم اتهام

این اصل در مواد قانون آیین دادرسی کیفری و در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و یکی از اصول مهمّ مورد استفاده در مورد جرایم اطفال است. با توجه به ماده ۵ قانون آیین دادرسی کیفری: «متهم باید در اسرع وقت از موضوع ادله انتسابی، آگاه و حقّ دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره مند گردد.»

ه- اصل منع شکنجه

شکنجه، شدیدترین شکل رفتار غیر انسانی است. کرامت ذاتی بشر به عنوان یک اصل یا قاعده، انسان را بما هو انسان از چنان ارزشی برخوردار می کند که نباید وسیله قرار گیرد. شکنجه و رفتار غیر انسانی، انسان را وسیله قرار می دهد. حقّ رهایی از شکنجه

و رفتار خشن، غیر انسانی در اسناد بین المللی حقوق بشر، جزو حقوق مطلق و غیر قابل تعلیق در هر شرایطی است (پیرامن، ۱۳۹۰: ۶۲).

و- اصل بی طرفی و استقلال کامل مقام قضایی

منظور از بی طرفی و استقلال کامل مقامات قضایی آن است که مقام قضایی در رسیدگی های خود باید طوری عمل کند که از هرگونه جانبداری اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، قومی، حقوقی و ... بپرهیزد و صرفاً به وظیفه شرعی و قانونی خویش که همانا کشف حقیقت و تمییز حق از باطل است توجه داشته باشد.

اصل قانونی بودن، یکی از قواعد اجتناب ناپذیر آیین دادرسی بوده و به این مبنا مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری، دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوی را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرائم مشابه تحت تعقیب قرار می گیرند، به صورت یکسان اعمال شود. همچنین به موجب ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می شود، جلوگیری کنند (کیخا، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

ز- اصل دادرسی عادلانه

می توان گفت دادرسی عادلانه و منصفانه عبارت است از این که دعوی مطروحه میان طرفین دعوا در یک دادگاه صالح و مستقل و بی طرف، که مطابق قانون تشکیل گردیده و در یک فضای آرام و شرایطی برابر توسط قضات متخصص و دانا به صورت علنی و با رعایت کلیه تضمین های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اصحاب دعوا مورد رسیدگی قرار گیرد. به بیان دیگر، دادرسی کیفری زمانی منصفانه خواهد بود که با رعایت کلیه معیارها و استانداردهای جهانی دادگستری انجام شود (همان).

ح- انجام تحقیقات مقدماتی توسط ضابطان آموزش دیده

ماده ۱۲، حداقل قواعد استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه اطفال به لحاظ ظرافت خاص و حساسیت مسائل مربوط به مرحله مقدماتی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، تعقیب و تحقیقات ناظر به مرحله مزبور را بر عهده ضابطان قضایی ورزیده و آموزش دیده و متبحر و مسلط امکان پذیر دانسته است.

در حقوق ایران، به لحاظ عدم پیش بینی ضابطان دادگستری خاصی که با گذراندن دوره خاص آموزشی در خصوص مربوط به اتهامات اطفال و نوجوانان فعال باشند، انجام مرحله مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق، به عهده دادرس دادگاه یا به درخواست او به قضات تحقیق محول شده است. ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی کیفری در این زمینه مقرر می دارد: «در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده ۴۳ توسط دادرس یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که در برابر قانون بر عهده ضابطین می باشد رأساً به عمل خواهد آورد».

با این حال، کمال مطلوب آن است که مقامات انتظامی یا قضایی متصدی تعقیب و تحقیقات مقدماتی با کسب دوره آموزشی و تخصصی ناظر به کیفیت برخورد با اطفال و نوجوانان دارای ورزیدگی و مهارت خاص در این زمینه گردند و با توجه به این که در نظام قضایی فعلی ایران، مقنن گذراندن دوره های مزبور را برای مقامات انتظامی یا قضایی الزامی نکرده است، نقض مقررات مشهود به نظر می رسد. در لایحه پیشنهادی قانون تشکیل دادگاه های اطفال و نوجوانان طبق مفاد ماده ۱۹، تعقیب و تحقیقات مقدماتی برحسب سن و نوع اتهام ایشان به دادرسان دادگاه های اطفال و شعب خاصی از دادرسانی که در معیت دادگاه اطفال انجام وظیفه می کند، محول شده است و طبق تبصره همان ماده، ضابطان دادگستری در جرایم مشهود مکلف اند پس از دستگیری متهم طفل یا نوجوان، بی درنگ و برحسب مورد او را به دادرس یا دادگاه اطفال معرفی نمایند. اشکال لایحه پیشنهادی این است که گذراندن دوره های آموزشی خاص را برای

قضات دادرسی مزبور (دادستان، بازپرس و دادیار تحقیق) و نیز ضابطان دادگستری پیش بینی نکرده است.

۲-۱-۲- اصول و تضمینات در مرحله صدور حکم

هدف اصلی از کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و دادرسی در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان معارض با قانون، آموزش و اصلاح و تربیت و بازسازی شخصیت و ایجاد سازگاری در آنان است؛ لذا در صورت احراز مجرمیت طفل، قضات باید با توجه به اصول دادرسی ویژه اطفال اقدام به صدور حکم نمایند. در ادامه به برخی از این اصول اشاره می‌کنیم.

الف- حضوری بودن رأی

در رسیدگی به جرایم بزرگسالان، حسب مقررات آیین دادرسی کیفری، چنان چه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حضور نداشته و لایحه نفرستاده باشند، در جرایمی که دارای جنبه حقّ الهی نیست دادگاه رسیدگی نموده، و مبادرت به صدور رأی غیابی می‌کند. رأی غیابی در ظرف مهلت مقرر، قابل واخواهی و تجدید نظر خواهی است (ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸). لیکن در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، با وجود دسترسی به آنان، ممکن است مصالح و منافع ایشان اقتضا داشته باشد که رسیدگی در تمامی یا قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب آنان انجام شود. در عین حال، رأی صادره در پایان رسیدگی به شیوه مزبور، حضوری تلقی خواهد شد.

ب- غیر علنی بودن تحقیقات و دادرسی

چنان چه در مواجهه با رفتار کودکان و نوجوانان معارض با قانون، امکان تحقیق و رسیدگی غیر رسمی و خارج از فرآیند دادرسی کیفری و نظام قضایی رسمی امکان پذیر نباشد فرآیند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی باید به گونه ای سازماندهی شود که حریم شخصی ایشان کاملاً رعایت گردد.

علنی نمودن فرایند کشف، تحقیقات مقدماتی و دادرسی و افشای هویت و مشخصات اطفال و نوجوانان از طریق مطبوعات و رسانه های گروهی، یا حضور افراد، به شخصیت و حیثیت آنان لطمه جبران ناپذیر وارد کرده و موجب سلب اعتماد به نفس ایشان خواهد گردید. طرح اتهام طفل یا نوجوان در کوچه و بازار و برچسب زنی جرم به وی، موجب خدشه دار شدن شخصیت طبیعی او می گردد و وی خود را در قالب مجرم تصوّر و تجسّم می نماید؛ آنگاه در مسیر اصلاح و تربیتش معضلات اساسی ایجاد می شود.

ج- حضور والدین و یا سرپرست قانونی یا وکیل در جلسه محاکمه

به هنگام انجام تحقیقات و رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، حضور والدین یا سرپرستان قانونی طفل یا نوجوان و همچنین وکیل یا مشاور حقوقی از حیث حمایت و معاضدت روانی عاطفی و حقوقی ایشان دارای کمال اهمیت است. براساس ماده ۲۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ آمده بود: «در هنگام رسیدگی به جرائم اطفال، دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید که در دادگاه شخصاً حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنان چه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد، دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد نمود.»

د- حضور بزه دیده در جلسه محاکمه

مقررات در اسناد بین المللی، در خصوص حضور بزه دیده در جلسه محاکمه تأکید فراوان دارند؛ از جمله می توان به بند ۴ ماده ۱۷ قواعد بیجینگ اشاره کرد که بیان می دارد: «اقدام های مربوط به دادرسی باید به نفع نوجوانان صورت می گیرد و باید در محیطی از تفاهم اجرا شود و برای نوجوانان میسر باشد که در امور مشارکت می کنند و عقایدش را آزادانه بیان می نماید (محمدیان، ۱۳۹۲: ۱)».

ه- اصل تشکیل پرونده شخصیت

اطفال و نوجوانان در تشکیل پرونده شخصیت به علت دارا بودن وضعیت جسمانی ضعیف و حالات شکننده و همچنین سن کم، که معیارهای شخصیت زیستی و روانی فرد است نقش مؤثری دارند. قانونگذار هم در قانون مجازات اسلامی و هم در قانون آیین دادرسی کیفری به این امر توجه کرده است. از اینرو در ماده ۳۰۲ این قانون، جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادرسی یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است» (همان: ۱۱۳).

و- حق برخورداری از محاکمه ظرف مدت معقول

هر کس متهم به جرمی شده است باید تا زمانی که جرم او ثابت نشده باشد بی گناه فرض شود و محرومیت از آزادی باید اقدامی استثنایی باشد.

استمرار ظن معقول مبنی بر این که فرد دستگیر شده مرتکب جرم شده است شرط لازم برای اعتبار ادامه بازداشت اوست. اما پس از گذشت مدت زمانی خاص، دیگر این دلیل کافی نیست و از آن به بعد دادگاه باید اثبات کند آیا سایر دلایل گفته شده توسط مقامات قضایی، توجیه گر محرومیت فرد از آزادی هست یا خیر؟ هر کجا چنین دلایلی مربوط و کافی تشخیص داده شود، دادگاه باید مشخص کند آیا مقامات ملی ذیصلاح در انجام وظایف قضایی خویش مراقبت ویژه از خود نشان داده اند یا خیر...^۱

ز- قابلیت تجدیدنظر و بازنگری در رأی

تضمینات دادرسی عادلانه و منصفانه از قبیل پژوهش خواهی باید در دادرسی اطفال و نوجوانان رعایت شود. به همین لحاظ تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان در مراجع عالی و حسب تشریفات و مقررات مربوط، قابل تجدیدنظر خواهی می باشد. در عین حال، ویژگی مربوط به دادرسی اطفال و نوجوانان در آن است که مرجع صادرکننده رأی حسب گزارش هایی که از بهبود و پیشرفت وضعیت طفل در طول مدت نگهداری یا مراقبت و تحت نظر از مسئولان ذیربط دریافت می نماید، می تواند در تصمیمات اتخاذ

1. Communication, no 336/1988. N, fillastre v, Bolivia, in un doc, GOAR, /47/40, P306 PARA6.

شده قبلی تجدیدنظر نماید، زیرا به هدف های تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان، چنان چه قاضی صادرکننده رأی در اثنای مدّت نگهداری یا اجرای تصمیمات، احراز کند که تربیت و اصلاح کودک یا نوجوان محقق گردیده یا قریب به تحقق است، باید برای وی امکان لغو مدّت نگهداری، تخفیف آن و یا عدم اجرای تصمیمات، پیش بینی شده باشد.

ح- منع مجازات اعدام و حبس

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ تغییرات قابل توجهی در حقوق کودکان صورت داده است، به گونه ای که مجازات اعدام در جرایم تعزیری برای این دست از افراد سنی به صورت کامل حذف شده است؛ به عنوان مثال، به هیچ عنوان نمی توان اطفال زیر ۱۸ سال را به مجازات اعدام محکوم کرد. طبق قانون اگر کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال مرتکب جرایمی شوند که حدّ یا قصاص بر آنها جاری است، به وی اخطار و تذکر داده شده و تعهد کتبی برای عدم انجام جرم گرفته می شود و یا این که در جرایم درجه یک تا پنجم، به سه ماه تا یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می شود. در جرایم دیگر، به والدینش تحویل داده شده و تعهد کتبی اخذ می شود یا به مددکار و روان شناس معرفی شده یا به یک مؤسسه آموزشی معرفی می شود و اگر معتاد باشد، درمان شده یا توسط دادگاه نصیحت می شود.

۲-۲- سیاست جنایی انگلستان در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار

در این بخش سیاست جنایی انگلیس در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار و اصول بنیادی آن مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۲-۱- دادرسی ویژه اطفال و مفهوم مسؤلیت جزایی

حقوق انگلستان هم از لحاظ محتوی و هم از لحاظ شکل و هم از لحاظ به کار بستن آن با حقوق ما اختلاف عمیق و بسیاری دارد. اصطلاح اطفال بزهکار اولین بار در انگلستان در قرن ۱۹ میلادی مطرح شد در اواخر قرن ۱۹ به لحاظ این که در آن دوران جرایم اطفال افزایش یافته بود دو نفر از حقوقدانان آمریکا به نام جین آدامز و جولیا لاتروپ شروع به تجهیز افکار عمومی کردند. قانون اطفال مصوب ۱۹۰۸ که دادگاه

ویژه اطفال را ایجاد نمود پایه گذار سیستم دادرسی اطفال در انگلستان و ویلز می باشد. قانون ۱۹۰۸ به «رویکرر رفاه مدار» که از پنجاه سال قبل شکل گرفته بود، شکل قانونی داد. دادگاه نوجوان نشأت گرفته از وجود یک سیستم دادرسی متمایز در خصوص اطفال و نوجوانان بود. تشکیل چنین دادگاهی مبتنی بر این عقیده بود که اطفالی که مرتکب جرم می شوند، نیازمند و سزاوار پاسخ دهی از طرف آن دسته از مقامات سیستم قضایی هستند که به عدم رشد، حساسیت و عدم آگاهی اطفال از نتایج رفتارشان، آشنا هستند. در طول قرن بیستم آیین های دادرسی و قواعد و اختیارات سزادهی در دادگاه اطفال برای انعکاس چنین رویکردی، توسعه یافته و اعمال شدند. مثلاً ماده ۴۴ قانون اطفال و نوجوانان مصوب ۱۹۳۳ دادگاه ها را موظف ساخت در انجام وظایفشان، مصالح و رفاه اطفال را مدنظر قرار دهند.

دادرسی اطفال یکی از موضوعات کلیدی مورد توجه حزب کارگر بین سال های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۷ بود. سند عمده آنها در این خصوص «برخورد با جرایم اطفال، اصلاح سیستم دادرسی اطفال» نشان داد که دادرسی اطفال اولین موضوع مورد توجه دولت کارگری آینده خواهد بود. این سند برخی از اصلاحات که بعداً به صورت قانون در آمد را فهرست نمود. از عمده ترین موضوعاتی که در این سند مورد توجه قرار گرفته بود تشویق اطفال بزهکار به پذیرش مسئولیت رفتار مجرمانه شان بود. به منظور این که این امر نسبت به تمامی اطفال به نحو برابری صورت گیرد، پیشنهاد شد که اماره قابل رد عدم رشد لغو گردد. دولت ابتدا دو شیوه اصلاح را مطرح نمود: پیشنهاد اول این بود که اماره به صورت کامل لغو شود که این راه را با توجه به سادگی و روشنی نمادینش ترجیح می داد. پیشنهاد دوم این که اماره به صورت معکوس استفاده شود. بدین گونه که وکیل متهم بتواند استدلال کند که وی فاقد توانایی ارتکاب جرم است. در نهایت، قانونگذار انگلستان در ماده ۳۴ قانون جرم و بی نظمی، رویکرد اول را اتخاذ نمود.

(کیخا، ۱۲۴)

مبانی حقوق بشری و جرم‌شناسی قابل توجهی، پیش‌بینی یک نظام دادرسی افتراقی را برای اطفال بزهکار ایجاب می‌کند. این رویکرد در ایران نیز از سال‌ها موجود بوده است؛ لکن قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با معرفی ساختاری جدید و توجه بیشتر به یافته‌های جرم‌شناسی و بهره‌گیری از نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و استفاده کاربردی از مزیت‌های نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله انگلستان، تغییرات قابل توجهی را در این زمینه ایجاد کرده است. این قانون از رهگذر تأسیس نهادهای جدیدی از قبیل دادگاه اختصاصی برای اطفال، دادسرای اطفال، پلیس اطفال و الزام به تشکیل پرونده شخصیت، اقدام به ساماندهی نظامی افتراقی نموده است. این امر می‌تواند ناشی از تأثیرپذیری آگاهانه قانونگذار از برخی الگوهای عدالت کیفری اطفال و تا حدودی همانند آن چه که در نظام‌های حقوقی کامن‌لا و همچنین نظام حقوقی انگلستان وجود دارد باشد، بنابراین از این جهت قابل بررسی است.

الف- رسیدگی افتراقی (مصلحت‌گرا)

رسیدگی به پرونده جرایم اطفال و نوجوانان توسط قاضی دادگاه اطفال را از آن جهت می‌توان یک رسیدگی افتراقی دانست که برخلاف رسیدگی به جرایم بزرگسالان از انعطاف بیشتری در مقررات قانونی مربوط به تشریفات رسیدگی برخوردار است. در رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان مراجع ذیصلاح انتظامی و قضایی متصدی کشف، تعقیب، تحقیقات مقدماتی و محاکمه همواره باید مصالح و منافع عالیه اطفال و نوجوانان را نصب‌العین خود قرار دهند و از هر گونه برخوردی که با شأن، منزلت و اعتماد به نفس ایشان مغایرت داشته باشد یا احیاناً کمکی در تشدید شرایط نامطلوب آنان نماید، احتراز نمایند. از اینرو مقامات مزبور علاوه بر این که باید اصول دادرسی عادلانه را در برخورد با اتهامات اطفال و نوجوانان رعایت کنند، به آن دسته از حداقل قواعد اسناد بین‌المللی ناظر به دادرسی مخصوص اطفال و نوجوانان و قوانین موضوعه نشأت گرفته از اصول مزبور عنایت جدی داشته باشند؛ زیرا

ارتقاء دادرسی نوجوانان و اطفال متضمن بخشی از روند توسعه ملی کشورها محسوب می شود. (بیوان، ۲۰۰۷: ۳۵).

ب- تعویق صدور حکم

یکی از ترتیبات خاص رسیدگی به جرایم اطفال که به نوبه خود یک پاسخ کیفری ولی تعدیل یافته به جرایم آنان را نیز تشکیل می دهد، مربوط به تعویق صدور حکم است. این ترتیب در زمینه رسیدگی به جرایم اطفال یک تدبیر پیشرفته به شمار می آید؛ چراکه مصلحت طفل را بر رعایت تشریفات قانونی مبنی بر لزوم صدور حکم پس از بررسی پرونده ترجیح داده است. در ماده ۹۴ در این زمینه آمده است: «دادگاه می تواند در مورد تمام جرائم تعزیری ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.» در این ماده سکوت در مقام بیان است و وقتی در خصوص نوجوانان که سنی بالاتر از اطفال دارند دادگاه مختار به تعویق است؛ پس به طریق اولی برای اطفال هم این امر صادق است. دادگاه در تعویق و تعلیق صدور حکم اختیار کامل را دارد و این ارفاق فقط مختص جرایم تعزیری است (مهرا، ۱۳۸۳: ۲۳). در مواردی که اقدامی بیش از حکم به تعویق صدور حکم ضرورت داشت، معمول ترین اقدام، نظارت بود (۲۳ درصد) که تأکید آن بر اصلاح و بازپروری بزهکار به جای مجازات است (دوگلاس، ۱۹۸۸: ۲۷۵).

ج- عدم رعایت مقررات تکرار جرم

دومین تدبیری که در زمینه رسیدگی افتراقی به جرایم اطفال می توان بدان اشاره کرد، رعایت مقررات تکرار جرم در مورد اطفال و نوجوانان است. فلسفه این تدبیر را در آن می توان یافت که بسیاری از بزهکاری های اطفال از خشونت زیادی برخوردار نبوده و همانطور که قبلاً نیز بدان اشاره شد، بسیاری از این بزهکاری ها نتیجه طبیعی و گاه غیرطبیعی مسیر انتقال آنان از مرحله کودکی به نوجوانی و از نوجوانی به جوانی است. بدین لحاظ اجرای مقررات جرم که موجب تشدید پاسخ

کیفری و عدم رعایت خصوصیت بزهکاران است، در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان پیش بینی نشده است.^۱

ماده ۱ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۴م. مجازات جدیدی به نام «آموزش تحت کنترل» را ایجاد کرد که به گرایشی سیاسی مبنی بر در نظر گرفتن پاسخ های کیفری نسبت به کودکان بزهکار جامه عمل پوشاند. این قرار شامل مجازات حبس بین ۶ ماه تا ۲ سال است که نصف آن در جامعه و با نظارت به اجرا درمی آید. قانون یاد شده که نباید تا زمان آماده شدن امکانات لازم، به اجرا در آید، مربوط به کودکان دوازده تا چهارده ساله ای است که قبلاً سه بار یا بیشتر به جرایمی با مجازات حبس محکوم شده باشند و یا کسانی که در دوره نظارت، مجدداً مرتکب جرم شده یا قرار نظارت را نقض کرده اند (مهرا، ۱۳۸۳: ۶۵).

د- تجدیدنظر مکرر در آراء و تصمیمات

تجدید نظر مکرر به این مفهوم تعیین شده است که هدف از دادرسی بهبود وضعیت رفتاری اطفال و نوجوانان می باشد و باید با پیشرفت و بهبود رفتار آنان در تناسب باشد. مطابق تبصره ۳ ماده ۸۸ ق.م.ا. قاضی می تواند در مورد تسلیم اطفال و نوجوانان به اولیاء و سرپرست قانونی، هر چند بار که بخواهد در تصمیمش تجدید نظر کند.

ملاحظه می کنید موضوع این ماده با ماده ۹۰ ق.م.ا. متفاوت است و تناقضی وجود ندارد. در ماده ۹۰ تجدیدنظر قاضی در مورد رأی به نگهداری طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت، فقط یک بار امکان دارد؛ بنابراین در مورد تصمیمات تأمینی و تربیتی و سپردن طفل به والدین یا کانون اصلاح و تربیت و ... هر چند بار بخواهد می تواند تجدیدنظر کند. (کیخا، ۱۳۹۹: ۱۴۸)

ه- فقدان آثار کیفری برای محکومیت اطفال و نوجوانان

آثار کیفری در قانون ما تعریف مشخصی ندارد. اما می توان منظور از آثار کیفری را آن نوع از محکومیت های کیفری دانست که قانونگذار برای مرتکب آن مواردی

1. Becker, H-Out siders-New York-Free Press-1963

همچون درج در سجد قضایی، محرومیت های اجتماعی و... در نظر گرفته است. با توجه به ماده ۹۵ ق.م.ا. که مقرر می دارد: «محکومیت های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است» و همچنین شرایط خاص اطفال به هدف خراب نشدن زندگی آتی طفل در نظر گرفته شده است، زیرا سابقه کیفری، موجب بی اعتمادی افراد جامعه به فرد می شود (لارژ، ۱۳۸۲: ۶۵).

۲-۲-۲- تحولات سیاست جنایی انگلستان در پرتو اسناد فراملی

با توجه به این که به موجب اصلاحات اخیر در قوانین انگلستان، سن مسئولیت کیفری از ۱۴ سالگی به ۱۰ سال رسیده است، این سؤال به ذهن متبادر می شود که چنین رویکردی تا چه حد با مقررات منطقه ای و بین المللی تطابق و یا تعارض دارد؟ اگرچه هیچ سند فراملی به طور مستقیم به سن مسئولیت کیفری نمی پردازد اما رد پای این مفهوم را در برخی اسناد و کنوانسیون ها می توان دید.

الف- استانداردهای عدالت کیفری اطفال

دادرسی کیفری اطفال که از بدو تماس کودک و نوجوان با مقامات انتظامی و قضایی، به لحاظ ارتکاب اعمال خلاف با قانون جزا، تا پایان رسیدگی به اتهام او جریان دارد از حیث ضرورت تأمین هدف والای انسانی اصلاح و تربیت و پیشگیری از وقوع جرم ایشان، اهمیت زیادی دارد. شیوه دادرسی اطفال و نوجوانان با شیوه دادرسی بزرگسالان تفاوت های متعددی دارد؛ مانند این که پلیس و قضاتی که معمولاً در دادرسی اطفال فعالیت دارند باید از طریق ایجاد دوره های آموزشی با علوم مختلفی از قبیل روان شناسی کودک، مددکاری اجتماعی و جرم شناسی آشنایی کاملی داشته باشند. دادرسی باید کاملاً غیرعلنی و با حفظ حریم اطفال انجام گیرد. تشکیل پرونده شخصیت که حاوی اظهار نظر متخصصان مختلف علوم پزشکی، روان شناسی، مددکاری و جرم شناسی است در کنار پرونده کیفری به منظور اتخاذ واکنش مناسب با شخصیت و منش طفل یا نوجوان ضرورت دارد. در زمینه دادرسی، شرایط

خاصّ روحی روانی و اجتماعی اطفال و نوجوانان که با ارزش های اجتماعی سرستیز داشته و معارض با قانون شناخته شده اند و ظرافت های مخصوص مواجهه با آنان در تأمین اهداف عالیّه تعلیم و تربیت و بازسازی اجتماعی ایشان، موجب گردیده است که تعقیب، تحقیقات مقدماتی و نحوه محاکمه ویژه ای متمایز از بزرگسالان در رسیدگی به اتهام آنان معمول شود؛ لذا معمولاً دادرسی ویژه اطفال و نوجوانان در نظام های دادرسی کیفری به نحو مجزاً تدوین شده است.

کودکان و نوجوانان در سیستم عدالت کیفری انگلستان دارای برخی حقوق قانونی هستند، علاوه بر حقوقی که در مقررات داخلی مقرر گردیده اند (از جمله قانون حقوق بشر ۱۹۹۸)^۱؛ تعدادی از کنوانسیون ها، استانداردها، معاهدات و قواعد بین المللی وجود دارند که مقرراتی را در مورد سیاست و رویه عدالت کیفری خاصّ نوجوانان ارائه می کنند.

ب- کنوانسیون حقوق کودک

هدف اساسی این کنوانسیون، ایجاد زندگی بهتر برای کودکان و تلاش در راه رشد هماهنگ و متعادل آنان در زمینه های اساسی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و رشد اجتماعی است و برای دستیابی به این هدف، چهار محور اساسی: رشد، بقا، حمایت و مشارکت را مورد توجه قرار داده است. یکی از موضوعات مورد توجه آن، استاندارد های دادرسی کیفری اطفال می باشد که در این قسمت بدان خواهیم پرداخت.

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مقرر می دارد: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر این که طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سنّ بلوغ کمتر تشخیص داده شود.»

با این تعریف، حقوق کودک، بخشی از موضوعات حقوق بشر است که نیاز به حمایت جدّی از سوی جامعه بین المللی دارد.

۱. Human Rights Act 1988

لازم به ذکر است که مهم‌ترین مشخصه‌های عدالت کیفری اطفال در کنوانسیون حقوق کودک به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱- حق بر شرکت دادرسی؛ ۲- تعقیب و تحقیقات مقدماتی؛ ۳- شیوه رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان؛ ۴- رعایت اصول بنیادین دادرسی کیفری؛ ۵- تسریع در رسیدگی؛ ۶- احضار یا جلب؛ ۷- ضرورت حضور والدین، سرپرستان قانونی و مشاور حقوقی (عباچی، ۱۳۸۸: ۵۶-۶۱).

۳- اقدامات کنشی و واکنشی در مبارزه علیه بزهکاری اطفال و نوجوانان

هدف از پیشگیری، دور ساختن کودکان و نوجوانان از رفتارهای ضد اجتماعی طی مراحل اولیه زندگی آنها از یک سو، و نظارت و حمایت از کودکان در وضعیت دشوار است. اما مبارزه علیه جرایم کودکان و نوجوانان، مستلزم وجود تشکیلات وسیع و متناسب با احتیاجات روز هر جامعه و کشور است (معظمی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

۳-۱- پیشگیری از بزه دیدگی در ایران

الف- پیشگیری اجتماعی از بزه دیدگی کودکان

پیشگیری اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق پیشگیری غیر کیفری، شامل اقداماتی است که بر کلیه محیط‌های مؤثر در جامعه پذیری فرد و همچنین محیط‌هایی که دارای کارکرد اجتماعی هستند، تأثیرگذار است. از اینرو، در پیشگیری اجتماعی به دنبال هماهنگ سازی اعضای جامعه با قواعد اجتماعی هستیم. در این نوع پیشگیری، ریشه‌های بزهکاری هدف قرار می‌گیرد تا از این طریق، مانع شکل‌گیری علل بزهکاری گردد. به این ترتیب، پس از شناسایی و تعیین علل اجتماعی ارتکاب جرم، اقدام به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری به منظور از بین بردن این علل و اصلاح آن می‌نماید، تا از این طریق از ایجاد تمایلات و انگیزه‌های مجرمانه در افراد جلوگیری کند.

از جمله عوامل ریشه ای مؤثر در وقوع بزه عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ... غیره می باشد که در شکل گیری شخصیت، رفتار، سازگاری یا ناسازگاری فرد با قواعد اجتماعی مؤثر است. کودک آزاری، جرمی است که ریشه عوامل به وجود آورنده آن اغلب در اجتماع است. این جرم می تواند در محیط خانواده و همچنین در محیط خارج از خانه نظیر مدرسه و ... صورت پذیرد. در خانه، والدین و در اجتماع، اشخاص غریبه باید از نظر عوامل مؤثر در وقوع آن مورد بررسی قرار گیرند. دانشمندان معتقدند هرگونه تغییری که در شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی مستقیماً بر فرد اثر می گذارد، جرایم مختلف را شکل می دهد یا آنها را از بین می برد. جرم شناسی، واکنش های نابهنجار را نتیجه شرایط نابهنجار می داند و معتقد است در صورت فراهم سازی محیط سالم و مساعد رفتارها بهنجار می شود.

در حقوق ایران در گام نخست، این خانواده است که کودک را به مسیر صحیح هدایت می کند یا بستر گناه و جرم و انحراف را برای او مهیا می سازد. محیط امن و آرام در خانواده برای هر کودک و نوجوانی باید بر اثر توجهات پدر یا سرپرست طفل و محبت والدین نسبت به یکدیگر به وجود آید تا آنان بتوانند بدون هرگونه ناراحتی طفولیت و نوجوانی خود را به پایان رسانند.

مدرسه نیز اولین محیط اجتماعی است که کودک و نوجوان ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد. این نظم و ترتیب مسلماً از قوانین و مقررات حاکم در خانواده رسمی تر و اطاعت از آن لازم است. در این مرحله است که کودک و نوجوان ناسازگار، نامتعادل یا عقب مانده ذهنی با عدم موفقیت مواجه می شود. این عدم موفقیت به نوبه خود، به علت سرزنش ها، ملامت های والدین و اولیای مدرسه و اطرافیان و شکسته شدن غرور و احترام کودک باعث تشدید حس سرکشی، عدم علاقه به ادامه تحصیل، رهاکردن مدرسه، فرار از مدرسه، ولگردی، معاشرت های ناباب و بالاخره ارتکاب جرم می شود.

ب- پیشگیری وضعی از بزه دیدگی کودکان

اقدام های وضعی پیشگیرانه، ناظر بر اوضاع و احوال و شرایطی هستند که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می دهد. این اوضاع و احوال که در جرم شناسی، وضعیّت های ماقبل بزهکاری یا وضعیّت های پیش جنایی نام دارد فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش مهمی در آن ایفاء می کند.

بزه دیده به عنوان یکی از وضعیّت های پیش جنایی قلمداد می شود؛ بنابراین در پیشگیری وضعی با تقویت حمایت از بزه دیده از طرق مختلف، هزینه ارتکاب جرم را بالا برده و یا انجام آن را دشوار می سازد و از این گذر، فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را مختل می سازد.

در پیشگیری وضعی با ایجاد موانع فیزیکی میان بزهکار و هدف جرم و نیز تغییر کسب کار و حضور اجتماعی افراد، تغییر ساعت فعالیت های روزانه، محلّ های رفت و آمد، صرف نظر کردن از برخی آرزوها نظیر داشتن اتومبیل گران قیمت و غیره، سعی در بالا بردن هزینه و خطرات ارتکاب جرم و کاهش سوء ناشی از آن و نهایتاً تغییر و یا حذف موقعیّت های بزه را یا بزه دیده زا و به طور کلی تقویت حفاظت از آماج جرم دارد.

با این اوصاف، هدف و محور اصلی بکارگیری روش های پیشگیرانه وضعی، مبارزه با بزه دیدگی افراد در معرض خطر، از جمله کودکان است. اطفال به عنوان افراد آسیب پذیر در برابر تعرضات و تجاوز و بی توجهی، از استعداد و پیش زمینه بزه دیدگی بالایی برخوردارند و به راحتی از بزه دیدگانی بالقوه، به بزه دیدگانی بالفعل تبدیل می شوند. یکی از مهم ترین اقدامات برای حمایت کودکان و نوجوانان، شناسایی کودکان مستعد بزه دیدگی است. شناسایی کودکان در معرض خطر، از طریق گزارش بستگان، همسایگان، مسئولین مدرسه و غیره می تواند صورت پذیرد. بنابراین وجود مرکز گزارش دهی کودکان در معرض خطر، تسهیل کننده این امر می باشد (عباچی، ۱۳۸۳:

۷۷-۷۸). در حال حاضر، تأسیس مرکز اورژانس اجتماعی و همچنین وجود خودرو در حال گشت آن در سطح شهر، دسترسی به این هدف را آسان تر نموده است. در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان، با جرم شناختن عدم گزارش دهی وضعیّت خطر آفرین برای کودک نیز با این طریق به حمایت از او پرداخته است. برای حصول نتیجه بهتر در خصوص پیشگیری وضعی از بزه دیدگی اطفال و نوجوانان، نیاز به همکاری و اتحاد نهادها و سازمان های قضایی و اجرایی است. سازمان های قضایی می توانند از طریق جرم انگاری و اتخاذ رویه تشدید مجازات برای مرتکبین جرایم علیه اطفال، به افزایش هزینه ارتکاب جرایم و در نتیجه، کاهش بزه دیدگی کمک کنند. همچنین الزام نهادهای دولتی و اجرایی از سوی دستگاه در جهت شناسایی، جمع آوری، حمایت، نگهداری و توانمندسازی کودکان بزه دیده یا در معرض خطر بسیار تأثیر گذارد.

از جمله اقدامات در خصوص پیشگیری وضعی استفاده از منابع انسانی در جهت کاهش یا حذف عوامل جرم زا است. در زمینه حمایت از کودکان و نوجوانان از این گذر می توان به پلیس کودک، فعال سازی تشکیلات غیر دولتی و تأسیس نهاد ملی اشاره نمود.

۱- پلیس کودک

این نهاد، هم در زمینه بزهکاری و هم در زمینه دیدگی کودکان به عنوان واسطه ای برای عدم برخورد کودک با نیروی انتظامی است. مأموران این نهاد لازم است که دوره های آموزشی را به صورت هفتگی یا ماهیانه در زمینه آشنایی با حقوق کودک، حقوق بشر و مقررات دادرسی بگذارند. همچنین مأموران به منظور کشف و موارد بزه دیدگی می بایست در سطح شهر، نهادها و مراکزی که کودکان در آن حضور دارند، نظیر مدرسه، مهدکودک، پارک و غیره حضور داشته باشند (نقدی نژاد، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۰).

۲- تأسیس نهادهای ملی حقوق کودک

نهادهای ملی حقوق کودک همانند سایر نهادهای ملی حقوق بشر، فاقد اعمال قضایی و تعیینی هستند و به فعالیت های آموزشی و ترویجی و ارائه مشاوره به دولت ها درباره مسائل حقوق بشری و کشورها می پردازند. این نهاد به عنوان ناظر بر اجرای صحیح حقوق کودک و الزام مراکز به ارائه گزارش به این نهاد، در صدد حمایت از حقوق کودکان برآمده است.

در ایران نیز با عضویت در کنوانسیون حقوق کودک، مسأله تأسیس نهادهای ملی برای حسن اجرای مفاد این کنوانسیون در جریان است. از جمله وظایف این مرکز، مداخله فوری قضایی، ارائه مشاوره و معاضدت های حقوقی، ایجاد شرایط مناسب در خانواده ها و یا معرفی کودکان بزه دیده به بهزیستی و سایر نهادها، تهیه و ارائه گزارش و درخواست جهت اتخاذ اقدامات حمایتی و قضایی از مراجع قضایی صالح و نظارت بر حسن اجرای آراء و تصمیمات صادره مرتبط با کودک یا نوجوان می باشد.

ج- پیشگیری مشارکتی از بزه دیدگی کودکان

از زمان ظهور تفکر علمی در مورد جرم و پیشگیری، همواره توجه جرم شناسان معطوف به یک عنصر، تحت عنوان شخص مجرم و شیوه های مهار بزهکاری و یا اصلاح و درمان او بوده است. بنابراین، در عرصه سیاست جنایی، مرتکب جرم نقش اصلی را ایفاء می نمود تا این که از سال ۱۹۴۰ میلادی عده ای از جرم شناسان به دنبال حلّ معمّای بزهکاری و علت شناسی جرم، پژوهش های خود را بر روی دیگر کنشگر بزهکاری، یعنی «بزه دیده» - که خود بازیگر نیمی از صحنه جرم می باشد - متمرکز نمودند. به این ترتیب، برای وقوع یک جرم، تقارن سه عنصر را ضروری می دانند. این سه عنصر عبارتند از: وجود یک مرتکب با انگیزه، مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب جرم، و وجود یک آماج محافظت نشده.

با توجه به عدم امکان شناسایی مجرمان بالقوه و آگاهی به انگیزه آنان در زمینه ارتکاب جرم می توان گفت در عمل، مبارزه با این دو عنصر عملاً غیر ممکن است. به

این ترتیب، تنها راه مبارزه، تقلیل موقعیت های ارتکاب جرم برای مجرمین است که از طریق تأثیر گذاری بر محیط فردی و اجتماعی اشخاص امکان پذیر می باشد. برای نیل به این هدف، کلیه تدابیر پیشگیرانه با توجه به وسعت و تنوع آن می بایست به عنوان سیاست جنایی یک دولت مطرح شود و برای رسیدن به این هدف نیز، دولت می تواند از همیاری و مشارکت گسترده مردمی و نهادهای غیر دولتی بهره مند گردد (معظمی، ۱۳۸۶: ۱۲).

د- پیشگیری توسط مشارکت همه نهادهای مرتبط با برنامه های محلی

این قبیل سازمان ها، از جهت کارکرد دارای ماهیت غیر کیفری بوده و از وسایل و شیوه های پلیسی و سرکوبگرانه استفاده نمی کنند. شیوه های این سازمان ها به طور معمول غیر قهرآمیز است.

نقش نهادهای مدنی در پیشگیری از کودک آزاری بسیار حائز اهمیت است. مشارکت مردم از رهگذر این سازمان ها در سطوح سیاست جنایی (تقنینی، قضایی و اجرایی) قابل تصور است. از جمله این مشارکت ها، تصویب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان می باشد که هسته اولیه آن در «انجمن حمایت از حقوق کودکان» به عنوان یک نهاد مردمی شکل گرفت.

نهادهائی از این دست می توانند از طریق ابزارهائی چون رسانه های گروهی، زمینه تحقق یک دادرسی عادلانه را فراهم سازند، زیرا حضور رسانه ها در جلسات دادگاه ها به منظور آگاه سازی مردم در پرتو علنی بودن رسانه ها نه تنها به انجام دادرسی های منصفانه کمک می کند بلکه در نقد عادلانه و به دور از غرض ورزی دادگاه ها و تصمیم های قضایی نیز می تواند مؤثر باشد. به طور مثال، حضور مشاوران یا دادرسان مردمی در دادگاه های اطفال، نمودی از سیاست جنایی قضایی مشارکتی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۶۷).

همچنین در سطح سیاست جنایی اجرایی یا پلیسی، برخی دستگاه های اجرایی مانند سازمان بهزیستی و یا واحد حمایت دادگستری با دستگاه قضایی و نهادهای مربوطه

همکاری دارند و در جهت کشف جرایم علیه اطفال و پیگرد مرتکبان تلاش می کنند. در زمینه پیشگیری از بزه دیدگی اطفال، مشارکت و همکاری در سطح سیاست جنایی مشارکتی از جایگاه قابل توجهی برخوردار است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۱۳۱).

در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان موارد متعددی از سیاست جنایی مشارکتی پیش بینی شده است. از جمله ماده ۴۵ که در آن آمده است: «مددکاران اجتماعی بهزیستی تحت نظر مقام قضایی و در صورت لزوم با بهره گیری از خدمات سایر افراد و نهادهای مربوط بر نتایج اقدامات دستورات صادره نظارتها نموده و انجام صحیح و مناسب آن را پیگیری می نمایند.»

۲-۳- پیشگیری از بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق انگلیس

الف- پیشگیری اجتماعی

در انگلستان برنامه خاصی برای پلیس راه اندازی شده که هدف آن رسیدگی به کودکان و نوجوانان زیر ۱۷ سال است و طی آن با کودکان و نوجوانانی که در رفتارشان خلاف و بی نظمی مشاهده می شود و با این که خلاف کاری های جزئی مرتکب می شوند تماس گرفته می شود. کودکان و نوجوانان توسط پلیس نزد افسر تماس با نوجوانان فرستاده می شوند و مأموران مذکور بعد از مصاحبه با کودک سعی می کنند که همکاری خانواده و مدرسه او را جلب کنند. سپس اغلب برای کمک و تقویت روحی مناسب کودکان با خدمات داوطلب باشگاه جوانان، مأموران مجرب کارآموزی، سازمان های رفاه مدرسه و واحدهای کمک به خانواده ها تماس می گیرند. این افسران تماس، غالباً از کودک و خانواده او دیدن کرده و سعی می کنند که به راه های مختلف آنان را نصیحت و یاری کنند. نکته مهم در برنامه پلیس لیورپول این است که روابط میان پلیس و توده مردم بهبود پیدا کرده و مأموران پلیس نه تنها به عنوان نمایندگان نیرومند اجرای قانون معرفی شده اند بلکه تقریباً نقش محافظ کودکان و ناصح خانواده را هم برعهده دارند. ادعا شده است که این اقدامات

در کاهش آمار بزهکاری جوانان در سطح شهر لیورپول که قبلاً بالاترین رقم بزهکاری در انگلستان را داشته است کاهش بسیار مؤثری داشته است (بارانی و کشفی، ۱۳۹۱: ۶۷).

ب- پیشگیری های وضعی (رشد مدار)

دولت انگلیس تمرکز ویژه بر پیشگیری را در سال ۱۹۹۷ آغاز کرد و در صدد بهبود زندگی کودکان و خانواده ها و ارزیابی نقشی که ادراک خطر و فهم عوامل حفاظتی و پیشگیرانه از میزان آسیب پذیری و رفاه کلی کودکان می تواند داشته باشد، برآمد. یک مقاله دولتی تحت عنوان «همه مسائل کودک» در پی آن قانون کودکان ۲۰۰۴ و برنامه همه مسائل کودک تغییر برای کودکان، بر پنج نکته کلیدی تأکید می کند که هدفشان کاهش شکاف بین آنهایی است که از رفاه برخوردارند و کسانی که از رفاه برخوردار نیستند. همچنین دستورالعمل این امر که شامل ارائه همزمان خدمات در مورد نیازهای کودکان و خانواده ها، تأکید قوی بر مشاوره با کودکان و افراد جوان، بهبود در یکپارچه سازی خدمات سراسری، کمک تخصصی بیشتر برای ارتقای فرصت و پیشگیری از معضلات، مسئولیت مشترک در حمایت از کودکان و مدل سازی مجدد از نیروی کار است. بر پایه دستورالعمل سیاستگذاری گسترده، عوامل حفاظتی کلیدی برای کودکان را می توان در چهار عرصه عمده تقسیم بندی نمود: (آنسل، ۱۳۹۵: ۶۷)

نخستین عرصه، محیط یا زمینه کلی است و آن استاندارد ناکافی برای زندگی است.

دومین عرصه، خصوصیات کودک است؛ وضعیت یا حالتی است که ارائه مراقبت را ترغیب می کند؛ منجر به خود ارزیابی بالا، توانایی اجتماعی، استقلال، توانایی حل مشکلات و دقت درونی برای کنترل خود و محیط می شود.

سومین عرصه، به خصوصیات و صفات خانواده بر می گردد. بر اساس این حوزه، مراقبان قابل اعتماد در خانواده هایی به وجود می آیند که در آن دو یا چند فرد

بزرگسال قابل اعتماد دارای عملکردهای مثبت و مناسب در مراقبت از کودکان وجود دارند.

چهارمین عرصه، خصوصیات جامعه و محل زندگی فرد است. شبکه های حمایت اجتماعی از جمله گروه همسالان حامی اجتماعی و مکان هایی که مدارس کودکان در آنجاست و مراکزی که کودکان در آنها دارای ارزش اجتماعی می شوند و تشویق به آموزش می شوند (مهدوی، ۱۳۹۱: ۶۷).

ج- پیشگیری های کیفری

پیشگیری های کیفری و بررسی سیستم عدالت کیفری اطفال ونوجوانان در انگلستان، با توجه به اصلاحات قانونی در این زمینه صورت می گیرد. بنابر آمار های رسمی، بزهکاری نوجوانان؛ از نظر میزان و شدت افزایش قابل توجهی نداشته است، اما سیاست کنونی انگلستان در برخورد با اطفال ونوجوانان بزهکار، رویکردی سزا گرایانه است و آنان به عنوان پیشگیری کیفری آن را بکار می بندند (زینالی، ۱۳۸۱: ۵۱).

د- پیشگیری توسط مشارکت همه نهادهای مرتبط با برنامه های محلی

در انگلیس این هدف بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در این کشور، برنامه فراگیر و بومی مبارزه علیه بزهکاری اطفال، نهادهای اجتماعی دادگستری، پلیس و ادارات محلی را به مشارکت فراخوانده است.

قانون انگلیس و لایحه قانونی اسپانیا تنها مواردی هستند که مشتمل بر مقرراتی به منظور مسئول قلمداد کردن والدین می باشند. قانون انگلیس (۱۹۹۸) ترتیب وظایف والدین را معین کرده است. این قانون علیه والدینی وضع شده که فرزندانشان از مدرسه فرار کرده یا مرتکب جرم می شوند. این قانون، تعهداتی را بر عهده والدین قرار داده است؛ تعهداتی همچون شرکت هفتگی در سمینارها، و یا نظارت دقیق بر

فرزندان در طول ۳ ماه؛ اجرای این تعهدات توسط یک مددکار اجتماعی یا مأمور وزارت دادگستری بررسی و تأیید می شود (همان: ۴۹).

۴- اقدامات واکنشی مجازات

۴-۱- در ایران

نظام کیفری ایران، به دلایل مختلفی که در این مقاله تبیین شد، به الگوی کیفردهی معین و الزامی نزدیک تر است؛ به طوری که در مجازات های اسلامی از جمله حدود و دیه (صرفنظر از مناقشات نظری در رابطه با مجازات تلقی کردن دیه) به الگوی کیفردهی الزامی نزدیک است؛ یعنی قاضی مکلف است پس از اثبات مجرمیت، فقط مجازاتی را که در قانون معین شده است، به صورت الزامی تعیین نماید.

در تعیین مجازات های تعزیری نیز گاه با خصوصیات نظام کیفردهی معین و در مواردی نیز با ویژگی های الگوی نامعین سازگار است؛ به طوری که مقنن حداقل و حداکثر کیفر را مشخص و تعیین آن را به قاضی سپرده است. کیفردهی معین و الزامی که در نظام کیفردهی ایران به عنوان الگوی رایج کیفردهی پذیرفته شده است می تواند در رابطه با تعیین کیفر، مشکلات متعددی ایجاد کند؛ از جمله ناهمگونی در کیفر تعیینی در جرائم مشابه، عدم شفافیت در تعیین مجازات ها، فقدان تناسب در تعیین مجازات ها، مداخله ضعیف مقام قضایی در تعیین مجازات، عدم امکان توجه به شخصیت مجرم و بی توجهی به نقش بزه دیده در ارتکاب جرم.

امروزه تحمیل کیفر زندان و دیگر کیفرهای شدید مانند کیفرهای بدنی بر بزهکاران، به ویژه کودکان بزهکار، از سوی آموزه های جرم شناختی، جامعه شناختی و حقوق بشری مورد تردید قرار گرفته است. به همین دلیل، تصمیم گیرندگان سیاست جنایی، به ویژه سیاستگذاران بین المللی، نظام اجرایی نوینی برای پاسخ دهی به کودکان بزهکار پایه گذاری کرده اند. در گستره سیاست جنایی ایران نیز، کیفرهای جایگزین زندان را برای پاسخ دهی به اطفال بزهکار مورد توجه قرار داده اند.

۴-۲- در انگلستان

در نظام کیفری انگلستان، الگوی کیفردهی فرضی یا مبتنی بر رهنمودهای کیفردهی، اعمال می‌شود. در ایالت‌های مختلف آمریکا نیز الگوهای مختلفی پذیرفته شده است، اما الگوی کیفردهی فرضی در حال گسترش است که طرفداران و البته منتقدان خاص خود را نیز دارد. مزیت الگوی کیفردهی فرضی که این دو نظام کیفری را ترغیب به حرکت به سوی چنین الگویی کرده، در این است که میزان اختیارات قضایی در تعیین کیفر، نظام مند شده و از تعیین مجازات‌های نامتناسب، اجتناب گردیده و در تعیین کیفر، نوعی یکنواختی و قابلیت پیش‌بینی نشده ایجاد می‌شود (Bandura, 1973: p 97).

با توجه به تحلیل گونه‌های کیفردهی، به نظر می‌رسد کیفردهی فرضی یا رهنمود محور، تا حدود زیادی بتواند ما را در رسیدن به اهداف کیفردهی نزدیک‌تر نماید. بدین ترتیب می‌توان با تفکیک مرحله تعیین مجازات از سایر مراحل دادرسی و با پیش‌بینی رهنمودهای تعیین کیفر و الزام قضات به ذکر دلایل تعیین هر مجازات، کیفر عادلانه تعیین و تا حدود زیادی از تعیین مجازات‌های نامتناسب و استبداد قضایی اجتناب شود.

در سال ۱۹۹۸ قانونگذار انگلستان با حذف اماره قابل ردّ عدم رشد درباره اطفال ده تا چهارده سال، عملاً این گروه را به صورت کلی، واجد مسئولیت کیفری دانست. اگرچه ممکن است در وهله نخست، این اقدام، ناقض جدی حقوق کودکان به شمار آید قضاوت در اینباره، نیازمند توجه به تغییرات دیگری است که همزمان با این اقدام صورت پذیرفت. همگام با آن، قانونگذار تحولات عمیقی را در نوع واکنش‌های اجتماعی که نسبت به بزهکاری اطفال صورت می‌گیرد، پدید آورد که محور این تحولات، توجه به اقدامات اصلاحی- تربیتی و نیز پیشگیری زودرس بود.

بدین ترتیب، قانونگذار انگلستان به جای آن که اطفال بزهکار را به حال خود رها کرده و منتظر رسیدن آنان به سنّ مسئولیت کیفری و اعمال واکنش‌های سنتی

شود، در فرایند رشد و جامعه پذیری آنان دخالت کرده، سعی در جلوگیری از ریشه گرفتن عادات مجرمانه دارد. ابزار این رویکرد، انواع قرارهای معرفی شده از جمله قرارهای علیه والدین کودک، قرارهای تدمینی و ایمنی کودک، و قرارهای منع رفت و آمد کودک در قوانین اخیر می باشد. به علاوه، سیاست ها و رویه های قبلی که مبتنی بر اجتناب از مداخله نظام کیفری در قبال اطفال بزهکار بودند، کنار گذاشته شدند. مواد ۶۵ و ۶۶ قانون جرم و بی نظمی ۱۹۹۸ اخطار غیر رسمی را لغو نمود و به جای آن مبنای قانونی برای توییح و اخطار رسمی را وضع کرد (Delmas (Martie, 2010: p 54).

نتیجه گیری

از مجموع مطالب فوق نتایج زیر به دست می آید:

۱- به موجب مطالعات جرم شناختی و آموزه های حقوق بشری، اطفال و نوجوانان دارای ویژگی های خاصی هستند که علت اتخاذ رویکرد افتراقی در سیاست جنایی قانونگذار نسبت به بزهکاری این افراد شده است. در نظام حقوقی ایران تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴ قانونگذار سیاست ویژه ای در زمینه مسئولیت کیفری و شیوه های پاسخ دهی به بزهکاری اطفال و نوجوانان در پیش نگرفته بود و با رویگردانی از مبانی جرم شناسی و عدم توجه به معیارهای بین المللی، دستیابی به مؤلفه های دادرسی افتراقی را با مشکل مواجه کرده بود.

۲- حسب موازین و اصول علمی دادرسی کیفری و اسناد بین المللی حقوق کودک، در نظام های دادرسی کیفری کشورها، برای رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان، به هنگام تعقیب، تحقیقات مقدماتی، دادرسی، صدور حکم و ... مقررات ویژه ای در مقایسه با رسیدگی به اتهامات بزرگسالان مقرر شده است. بدین ترتیب، اصولی از قبیل اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل برائت، حق اطلاع یافتن از اتهامات با ذکر دلایل آن، حق سکوت در تحقیقات و دادرسی، منع شکنجه و دیگر اذیت و آزار در هنگام

تحقیقات و رسیدگی و ... در زمینه رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان کاملاً رعایت گردد.

۳- نگاه ارفاق آمیز به جرائم اطفال در نظام کیفری هر دو کشور، یکی از مؤلفه های سیاست جنایی است؛ به طوری که در نظام حقوقی کنونی ایران، برای طفل بزهکار مجازات سپردن به کانون اصلاح و تربیت یا والدین پیش بینی شده است. امروزه در حقوق انگلستان نوع برخورد با کودکان زیر ده سال با افراد بزرگسال متفاوت است، به طوری که تأکید عمده در جوانان بر مسأله اصلاح و تربیت قرار دارد. این امر نشان از آن دارد که قانونگذاران به جرایم اطفال با نگاهی ارفاق آمیز توجه می کنند و هر کشوری با توجه به شرایط خود برای اطفال، ارفاقاتی در نظر می گیرد.

۴- به موجب استانداردهای بین المللی، رویکرد کاهش توسل به مداخلات قانونی، قضازدایی و اتخاذ تدابیر عینی که شامل بسیج همگانی تمام منابع از جمله خانواده، گروه های جامعه، مدرسه ها و سایر مؤسسات اجتماعی است، از جمله اصول مهم در اجرای عدالت نوجوانان است.

۵- در مقایسه تحقیقات مقدماتی افتراقی اطفال و نوجوانان در ایران و انگلستان، این نکته را باید خاطر نشان نمود که نظام حقوقی انگلیس در این مرحله پاسخ های ترمیمی را برای اطفال و نوجوانان اعمال نموده است، موضوعی که در حقوق ایران به آن توجه نشده است. در مورد رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان علاوه بر رسیدگی به مدارکی که توسط پلیس گردآوری شده و دادستان نیز مطابق آنها عمل تعقیب را انجام داده است، در مواردی که به تشخیص دادگاه ضرورت ایجاب نماید ارائه گزارش تحقیق اجتماعی یا گزارش پیش از صدور حکم که از طرف مراکز تعلیق مراقبتی فراهم می گردد را خواستار می شود؛ همچنین در انگلستان پس از تصمیم نهایی با بررسی و مشاهده شخصیت طفل و نوجوان بزهکار اقدامات لازم در مورد ایشان صورت می گیرد.

۶- در ایران با استفاده از تعیین مجازات هایی همچون انجام خدمات عمومی، تعلیق مراقبتی و اقامت در نقاط اجباری یا حبس در منزل، یا کیفرهای پایان هفته ای به عنوان مجازات سالب آزادی و محدود کننده آزادی بود که جایگزینی برای مجازات حبس در زندان ها شد. از کیفرهای جایگزین حبس در انگلستان می توان به نظام جریمه روزانه و کار عامّ المنفعه و همچنین قراردایی مثل قرار ارجاع و قرار برنامه اقدامات و قرار جبران خسارت یاد نمود و مجازات های جایگزین مناسب و مؤثر در اعمال سیاست کیف زدایی و ارعایی است؛ روشی که امروزه برای بزهکاران بزرگسال نیز تجویز شده و نتایج مثبتی به همراه داشته است.

در این راستا پیشنهاد می شود:

الف: تشکیل دادگاه اطفال در مفهوم واقعی آن و به صورت دادگاه تخصصی و اختصاصی امری ضروری به نظر می رسد. به این منظور، از یک سو باید به تربیت نیروهای آگاه به مسائل دادرسی اطفال توسط قوه قضائیه و مراکز دانشگاهی و بکار گیری آنان به عنوان قاضی، ضابطین دادگستری و وکلای ویژه اطفال، اصل تخصصی و دادرسی اطفال را تأمین کرد و از دیگر سو با توجه به پذیرش دادگاه های اختصاصی در نظام قضایی کشورمان، به تشکیل دادگاه اختصاصی اطفال که تنها صالح به رسیدگی جرایم اطفال و اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال باشد، اقدام نمود.

۲- ورود اطفال به روند دادرسی بزرگسالان و گاه دادرسی ویژه آنان ممکن است به لحاظ جسمی و روانی و حقوقی آسیب زا باشد؛ از اینرو اقدامات قضازدایی از ابتدای پاسخگویی به عمل مجرمانه اطفال، با هدف اجتناب از تماس غیر ضروری اطفال با نظام قضایی رسمی و اجتناب از تحقیقات و محاکمه رسمی، شایسته توجه جدی قانونگذار است.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۹۵)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه: محمد آشوری، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳)، **نگهداری تحت نظر** (مجموعه مقالات جنایی)، تهران: سمت.
- الوندی، مظفر (۱۳۷۸)، **جرم و بزهکاری در مرحله ای از دوران نوجوانی**، ماهنامه اصلاح و تربیت، ۵۷، ۱۶-۲۱.
- بارانی، محمد؛ کشفی، سید سعید (۱۳۹۱)، **نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان- راهنمای علمی پلیس**، تهران: علامت.
- باقری نژاد، زینب (۱۳۹۴)، **اصول آئین دادرسی کیفری**، تهران: خرسندی.
- پیرامن، فاطمه (۱۳۹۰)، **بررسی کرامت انسانی در اسلام، حقوق و اسناد بین الملل**، راهنما: محمد هاشمی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- ترکی هرچنگانی، عباس؛ شامیبانی، هوشنگ؛ رهامی، محسن (۱۳۹۸)، **بررسی فقهی حقوقی فساد مالی در آیین سیاست جنایی تقنینی ایران**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۲۰، ۹۵-۱۲۰.
- خسروی، وحید (۱۳۹۳)، **جایگاه وکیل در تحقیقات مقدماتی جرایم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲**، به نقل از: <http://tadbir24.ir/fa/news/23539>.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۲)، **دادرسی عادلانه و مقررات دادرسی کیفری ایران**، تازه های علوم جنایی، تهران: میزان.
- زینالی، حمزه (۱۳۸۱)، **پیشگیری از بزهکاری و مدیریت آن در پرتو قوانین و مقررات جاری ایران**، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶، ۹۷-۱۲۴.
- شامیبانی، هوشنگ (۱۴۰۱)، **بزهکاری اطفال و نوجوانان**، تهران: مجد.
- عباچی، مریم (۱۳۸۸)، **پیشگیری از بزه دیدگی مکرر کودکان با تأکید بر نقش پلیس در پیشگیری از تکرار جرم و از بزه دیدگی**، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم.
- عباچی، مریم (۱۳۸۳)، **پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان**، مجله حقوقی دادگستری، ۴۷، ۴۹-۸۶.
- قریشی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، **قاموس قرآن**، ج ۴، چ ۶، قم: دار الکتب الاسلامیه.
- کیخا، حسن (۱۳۹۹)، **مسئولیت کیفری اطفال در حقوق تطبیقی**، تهران: مهرکلام.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، **بایسته های حقوق جزای عمومی**، چ ۱۲، تهران: میزان.

سیاست جنائی ایران در قبال بزهکاری اطفال و نوجوانان با تگاهی تطبیقی به... — ۱۹۳

- لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، **درآمدی به سیاست جنایی**، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.

- محمدیان، سارا؛ محمدرضا پور، بابک (۱۳۹۲)، **لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری ایران**، مجله علمی پزشکی قانونی، ۲-۳، ۳۲۹-۳۴۰.

- معظمی، شهلا (۱۳۹۰)، **بزهکاری کودکان و نوجوانان**، تهران: دادگستر.

- معظمی، شهلا (۱۳۸۶)، **پیشگیری جرم شناختی**، تهران: مجد.

- معین، محمد (۱۳۸۵)، **فرهنگ فارسی**، ج ۲، ج ۲۱، تهران: امیرکبیر.

- مهدوی، محمود (۱۳۹۱)، **پیشگیری از جرم: پیشگیری رشدمدار**، تهران: سمت.

- مهرا، نسرين (۱۳۸۳)، **حق کودک بر خطاکاری، مسؤلیت کیفری و صغیر نابالغ**، تلخیص و ترجمه مقاله Gillian Douglas، مجله تخصصی هیات و حقوق، ۱۳، ۱۸۷-۲۱۶.

- مهرا، نسرين (۱۳۸۳)، **علوم جنایی (ترمیمی)** «شدن عدالت کیفری در انگلستان و ویزا»، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، تهران: سمت.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، **دانشنامه جرم شناسی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، **تقریبات سیاست جنایی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید (۱۳۸۲)، **مشارکت مردم در سیاست جنایی و نقش رسانه ها در افزایش این مشارکت**، شورای عالی توسعه قضایی.

- نصری، عبدالله (۱۳۹۴)، **مبانی انسان شناسی در قرآن**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- نقدی نژاد، مجتبی (۱۳۹۰)، **پیشگیری از بزه دیدگی اطفال در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی**، ج ۲، تهران: جاودانه جنگل.

- هاشمی، محمد (۱۳۹۵)، **مسئولیت کیفری نوجوانان در ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه محدث نوری.

-Bandura, Aggression (1973), **social learning analysis Englewood cliffs**, NJ, prentice Hall, Declaration on the right of the child.

- Bevan, H.K; (2007) **Child Law**, London, Butterworth's, 2007.

-Delmas Martie, May rie (2010), **Great Systems of Criminal Policy**, translated by A.H. Najafi Abrand Abadi, Mizan Pub, 1st edition.

-Feuerbach, manuel de droit penal (1803), cite par Georges levasseur, la politique criminelle, in archives philosophie du droit, tome 16, pars, sire, p132.